

جلوه‌های دادرسی افتراقی جرائم اداری (در پرتو اصول دادرسی منصفانه)

عباس منصورآبادی*
شهناز اسدی نیا**

چکیده

تخصصی بودن جرم اداری، مقابله با مرتکبان آن از طریق اعمال مجازات و کمک به کنترل نظام اداری و در نتیجه تقویت اعتماد مردم به سلامت نظام اداری، در کنار آثار زیان‌بار این جرائم از مهم‌ترین ضرورت‌های پیش‌بینی مقررات ویژه برای رسیدگی به آنها است. جلوه‌های افتراقی سیاست کیفری در جرائم اداری در بعد شکلی شامل سازمان و صلاحیت کیفری، تشریفات رسیدگی و ادله اثبات است. اما برخی از این جلوه‌های افتراقی شدن مانند پیش‌بینی مواعد طولانی مرور زمان در تعقیب و صدور حکم، توسعه دامنه شکایت شاکی یا اعلام جرم، تعیین مأموران وزارت اطلاعات به عنوان یکی از ضابطان دادگستری، اجباری بودن اعلام جرم، سرعت و قطعیت در رسیدگی، تقدم اماره مجرمیت بر اصل براءت، تقدم اصل آزادی تحصیل دلیل بر اصل حفظ حریم خصوصی و تقدم اصل آزادی تحصیل دلیل بر اصل مشروعیت شیوه تحصیل دلیل، از تحقق اصول و تضمینات دادرسی منصفانه از جمله اصل براءت و نیز از اعمال برخی حقوق دفاعی متهم مانند حق داشتن فرصت و امکانات کافی برای تدارک دفاع و حق محاکمه شدن در زمان متعارف مانع شده است.

کلیدواژه‌ها: اصول دادرسی منصفانه، جرائم اداری، دادرسی افتراقی، سیاست کیفری.

مقدمه

نحوه تعامل نظام کیفری ایران با جرائم اداری، خود را در دو قالب سیاست کیفری ماهوی (جرم‌انگاری، مسئولیت کیفری و پاسخ‌ها) و سیاست کیفری شکلی (سازمان و صلاحیت کیفری، تشریفات رسیدگی و ادله اثبات) به نمایش می‌گذارد. تحقق دادرسی عادلانه نسبت به کارکنان و مأموران دولت نیازمند پیش‌بینی سازوکارهایی است که بدون پیش‌بینی و تضمین آنها این مهم با چالش مواجه خواهد شد. در حقوق ایران این ساز و کارها و وجوه افتراق را می‌توان در برخورداری از دادرسی ویژه رسیدگی به جرائم کارکنان دولت به‌مثابه مرجع رسیدگی تخصصی، تسریع در اعمال پاسخ‌های کیفری سخت‌گیرانه، رعایت اصل سرعت و غیر علنی بودن دادرسی، ایجاد و تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی خاص به این جرائم، تسریع در واکنش کیفری مؤثر، تضمینات دادرسی خاص در ارتباط با این جرائم و مرتکبان آنها و ... جستجو کرد؛ که همگی حاکی از افتراقی شدن سیاست کیفری در قلمرو جرائم مورد بحث است. در اینجا این تحولات و جلوه‌های متمایز این ارکان در مورد جرائم اداری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به دلیل وجود حساسیت‌های مضاعفی که نسبت به حوزه شکلی مقررات جزایی وجود دارد، جرائم اداری بسیار بیشتر از حوزه ماهوی تحت تأثیر قرار گرفته است. به این ترتیب برخلاف قوانین ماهوی که امکان رجوع به قوانین کیفری کنونی در برخی موارد وجود دارد و اتفاقاً در صورت عدم انطباق، مجوز جرم‌انگاری جدید صادر می‌گردد، در حوزه مباحث شکلی، اصل اولیه و ضروری این است که مقررات جدیدی مطابق شرایط خاص جرائم اداری تدوین گردد.

از طرفی پیش‌بینی مراجع اختصاصی و ویژه برای رسیدگی به این جرائم نشان از توجه خاص قانون‌گذار به موضوع جرائم کارکنان دولت می‌باشد و به عنوان تدبیری مناسب و درخور تحسین، قابل ذکر است. بنابراین براساس موارد فوق می‌توان گفت سیاست کیفری ایران در قبال جرائم اداری در برخی از موارد، مناسب و در مواردی نیز با اشکالاتی مواجه است که نیاز به اصلاح دارد.

اهمیت بررسی تدابیر شکلی در مقابله با جرائم اداری در این است که ویژگی‌های خاص این دسته از جرائم، لزوم پیش‌بینی یک آیین دادرسی افتراقی را می‌طلبد. آیین دادرسی

کیفری افتراقی در رویه تقنینی و عملی کشورها، در سه جا اهمیت خاص دارد: ۱- به اعتبار شخصیت مرتکب ۲- به اعتبار تخصصی و فنی بودن رفتارهای مجرمانه ۳- به اعتبار خطرناکی و اهمیت جرائم. اهمیت رسیدگی افتراقی به جرائم اداری برجسته‌تر و پررنگ‌تر از دیگر جرائم است؛ چراکه هر سه معیار فوق را دارا می‌باشد. پس تردیدی نیست که تدابیر شکلی مقابله با جرائم اداری، باید افتراقی و متفاوت از دیگر باشد. پس تردیدی نیست که تدابیر شکلی مقابله با جرائم اداری، باید افتراقی و متفاوت از دیگر باشد.

حق برخورداری از دادرسی عادلانه و منصفانه که به عنوان یک هنجار بین‌المللی حقوق بشر برای حمایت از اشخاص در برابر محروم کردن یا محدود کردن آزادی و حقوق اساسی آنها شناخته می‌شود مفهومی عام است که اسناد مهم بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به تفصیل ساز و کارهایی را برای اعمال این حق و ضوابط آن پیش‌بینی کرده‌اند. دادرسی عادلانه را می‌توان مشتعل بر شناسایی حقوقی برای متهم و نیز پیش‌بینی تضمین‌هایی برای رعایت آنها دانست که بدون تحقق آنها دادرسی کیفری نمی‌تواند منجر به اجرای عدالت شود.^۱

مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری و نیز سایر قوانین و مقررات مربوطه به طراحی نظام دادرسی افتراقی در خصوص این جرائم پرداخته که مهم‌ترین موارد آن عبارتند از:

الف- اجباری بودن اعلام جرم (ماده ۷۲ ق.آ.د.ک، ماده ۶۰۶ ق.م.ا، ماده ۶۳ آیین‌نامه سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۸۸/۱/۱۵، ماده ۳ آیین‌نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اجرایی مصوب ۱۳۸۵)

ب- تعیین ضابطان ویژه و متخصص از جمله مأموران وزارت اطلاعات به عنوان یکی از ضابطان دادگستری برای مبارزه با جرائم اداری (بند ب ماده ۲۰۵ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۳۰)

ج- سرعت و حتمیت در رسیدگی و اجرای مجازات‌ها (تبصره ۴ ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک)

د- حمایت از شهود (ماده ۲۱۴ ق.آ.د.ک)

۱. محمودی جانکی، فیروز، **حق دفاع متهم**، گزیده مقالات برای ارتقاء دانش دست اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران، جلد ۱، تهران: انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴، ص ۱۰۷.

۵- توسعه دامنه شکایت شاکی یا اعلام جرم (دستورالعمل نحوه تعامل و مشارکت نهادهای مردمی با قضاییه مصوب ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ رئیس قوه قضاییه)

۶- به کارگیری قضات متخصص در فرآیند رسیدگی (ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳)

ز- الزام به انتشار اسامی محکومان (تبصره ۱ ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک و ماده ۳۶ ق.م.ا)

این مقاله پس از شناسایی جلوه های افتراقی دادرسی جرم اداری در مقررات حاکم و سپس تطبیق مهم ترین آنها با اصول دادرسی منصفانه، مواردی را که آن اصول با اتخاذ رویکرد افتراقی نادیده گرفته شده است مشخص کرده و پیشنهاداتی را ارائه می دهد.

در مقاله پیش رو در پرتو اصول دادرسی منصفانه^۱ مواردی افتراقی در مقررات دادرسی جرائم اداری در مراحل کشف جرم، تحقیقات مقدماتی و سپس رسیدگی مراجع صالح بررسی می شود تا مشخص شود قانون گذار در چه مواردی ناهمسو با آن اصول پیش رفته و چالش هایی ایجاد نموده است.

گفتار اول. مقررات افتراقی در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

فرآیند رسیدگی کیفری با کشف جرم آغاز می شود. پس از کشف جرم نهاد تعقیب دست به اقدامات مختلفی می زند که همه این اقدامات را می توان تحقیقات مقدماتی نامید. این تحقیقات یا منجر به صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب می شود یا متعاقب صدور قرار مجرمیت، سبب تنظیم کیفرخواست از سوی دادستان می گردد. پس از تنظیم کیفرخواست، نوبت به دادرسی و تجدیدنظر می رسد. اجرای حکم قطعی شده، آخرین مرحله از فرآیند رسیدگی است.

۱. قواعد دادرسی عادلانه یا منصفانه، مجموعه تضمین های قانونی و قضایی است که در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی برای افرادی که در مظان ارتکاب جرم قرار می گیرند در سراسر رسیدگی کیفری و با هدف اتخاذ تصمیم عادلانه - به دور از اشتباهات قضایی- منظور گردیده است. (آشوری، محمد، عدالت کیفری (مجموعه مقالات) جلد اول، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۱۴۴)

با این مقدمه به نظر می‌رسد مقررات حاکم بر جرائم اداری در مواردی (پیش‌بینی مواعد طولانی مرور زمان در تعقیب و صدور حکم، توسعه دامنه شکایت شاکی یا اعلام جرم، تعیین مأموران وزارت اطلاعات به عنوان یکی از ضابطان دادگستری، اجباری بودن اعلام جرم) با رویکرد افتراقی وضع شده است که به بررسی آنها می‌پردازیم.

بند اول. پیش‌بینی مواعد طولانی مرور زمان در تعقیب و صدور حکم

طبق معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی در راستای تعقیب مؤثر و دستیابی به نتیجه مطلوب از سیاست کیفری علیه جرائم اداری، مرور زمان تعقیب و مجازات این قبیل جرائم نباید بیش از حد کوتاه باشد. به طور کلی، مرور زمان، محدودیتی زمانی برای اقامه دعوا علیه یک متهم ایجاد می‌کند. بسیاری از کشورها چنین قواعدی ندارند؛ در حالی که، کشورهای دیگر این قواعد را به‌طور کلی یا با استثنائات محدودی اعمال می‌کنند. نگرانی اصلی این مقررات ایجاد تعادلی میان منافع دادگستری سریع و ختم آن و انصاف نسبت به قربانیان و متهمان و به رسمیت شناخته این مطلب است که غالباً کشف و اثبات جرائم اداری زمانی طولانی می‌برد.

هنگامی که چنین قواعدی وجود دارد، هدف مهم آن است که از تأخیر مراجع تعقیب یا تأخیر شاکیان در پرونده‌ها جلوگیری شده و منافع عمومی در عدالت قاطع و سریع حفظ شود. تأخیرهای طولانی غالباً باعث از بین رفتن ادله، فراموشی و تغییر قانون و فضاهای اجتماعی می‌شود که تمامی آنها ممکن است باعث برخی بی‌عدالتی‌ها گردد. با این حال، جرائم شدید را نباید بدون مجازات گذاشت، حتی اگر زمان بیشتری برای اجرای عدالت بر مجرمان لازم باشد. این امر مخصوصاً در مورد فراریان اهمیت پیدا می‌کند. به این دلیل، کنوانسیون مریدا، از کشورهایی که دارای قواعد مرور زمان هستند می‌خواهد تا برای جرائم موضوع کنوانسیون، مدتی طولانی و برای مجرمانی که ادعا می‌شود از اجرای عدالت فرار کرده‌اند مدت طولانی‌تری در نظر گیرند. این مقررات مشابه مقررات کنوانسیون پالرمو (ر.ک. بند ۵ ماده ۱۱) است؛ با این حال، کنوانسیون مریدا گزینه تعلیق مرور زمان را در مورد کسانی که از اجرای عدالت گریخته‌اند، اضافه می‌کند.

برخلاف بخش خصوصی و اموال متعلق به آن در صورتی که موضوع جرم، اموال دولتی یا عمومی باشد از حیث جلوگیری از تضييع اموال عمومی و بیت‌المال مرور زمان جاری نیست.

در حقوق داخلی، مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات محدود به مجازات‌های تعزیری می‌باشد و مدت آن حسب مورد سه، پنج، هفت، ده یا پانزده سال است. این نحوه عمل به‌ویژه در جرائم پیچیده اداری که بعضاً سازمان‌یافته نیز می‌باشند و رسیدگی دقیق به آنها ممکن است نیازمند تحقیقات چندین ساله باشد، قطعاً ایجاد مشکل خواهد کرد.

رئیس وقت قوه قضاییه با پی بردن به وجود چنین مشکلی در مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۷، خطاب به کلیه دادگاه‌های عمومی و انقلاب سراسر کشور بخشنامه‌ای بدین مضمون صادر نموده بود: «بعضاً مشاهده می‌شود که به علت اطاله دادرسی در بعضی از پرونده‌ها در اثر تجدید اوقات رسیدگی و احیاناً تعیین نوبت‌های طولانی، آقایان قضات با استناد به ماده ۱۷۳ قانون آئین دادرسی کیفری مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب نموده و پرونده امر را بایگانی می‌نمایند. نظر به اینکه این امر نه تنها موجب فرار مجرمان از مجازات شده و بی‌اعتمادی و بدبینی مردم را از دستگاه قضایی در پی خواهد داشت بلکه سبب تجری بزهکاران و خصوصاً متجاوزین به حقوق عمومی خواهد شد، لذا اقتضاء دارد قضات رسیدگی‌کننده سعی و دقت نمایند حتی‌المقدور قبل از حصول مرور زمان مقید در ماده مرقوم نسبت به صدور رأی لازم اقدام نمایند.» متأسفانه به نظر نمی‌رسد با این قبیل بخشنامه‌ها مشکل چندانی حل شود، لذا بهتر آن است قانون‌گذار با اصلاح ساده، مبدأ احتساب مرور زمان تعقیب در ق.آ.د.ک را از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی (نه اولین اقدام) تعیین کند تا «متجاوزین به حقوق عمومی» به‌ویژه مرتکبان انواع جرائم اداری، تشویق به ادامه بزهکاری نشوند.

البته ذکر این نکته در اینجا ضروری است که با توجه به ماده ۱۰۹ ق.م.ا مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات مشمول آن دسته از جرائم اداری که با موضوع جرم بیش از یک صد میلیون ریال و جزء جرائم اقتصادی هستند (جرائمی چون ارتشا، اختلاس، مداخله یا تبانی یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی و سوءاستفاده از اختیارات به‌منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری و ...) نمی‌شود.

بر اثر تعلل قانون‌گذار، هیئت عمومی دیوان عالی کشور، به شکل دیگری وارد عمل شده، به این ترتیب که تعدادی جرائم مهم از جمله جرائم رشا، ارتشا و کلاهبرداری را از شمول مقررات مرور زمان خارج دانسته است. در عین حال، مقنن ایران سعی کرده است با اعمال فشار بر مراجع قضایی رسیدگی‌کننده، تضمینات مشخصی را برای تسریع رسیدگی به مصادیق جرم اداری به وجود آورد. بدیهی است که تعیین مهلت برای رسیدگی به جرائم سنگینی چون جرائم اداری فی نفسه اقدامی مثبت و ارزنده است؛ ولی آنچه بیش از تأخیر مرجع تجدیدنظر در رسیدگی مایه نگرانی است، عدم اقدام مراجع تحقیقات مقدماتی و اتلاف وقت در دادسراهاست که می‌تواند در نهایت پرونده را مشمول مقررات مرور زمان قرار داده، موجبات فرار بزهکاران از مجازات‌های قانونی را فراهم نماید. در عین حال، قائل شدن مهلت رسیدگی شش ماهه برای مراجع تجدیدنظر این خطر را به همراه دارد که از دقت آنها در رسیدگی بکاهد.

استدلالی که می‌توان در مورد عدم شمول مرور زمان یا مرور زمان کوتاه مدت در مورد جرائمی مانند استفاده غیرمجاز، اهمال و مسامحه منجر به تضییع اموال عمومی و هزینه‌کرد اعتبار در غیر مورد تأمین آن، نمود این است که اگر ملاک در تعزیر شرعی بودن یک جرم سابقه شرعی آن باشد، حرمت اموال بیت‌المال و رعایت حقوق آن حداقل از زمان امیرالمؤمنین (ع) تاکنون مطرح بوده است و از طرفی با تصویب قانون الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد در سال ۱۳۸۷ عناوین جزایی به کار رفته در مواد ۱۷ و ۱۸ از فصل سوم کنوانسیون، تحت عنوان جرم‌انگاری و اجرای قانون (استفاده غیرمجاز از اموال توسط مقام‌های دولتی و سوءاستفاده از وظایف) قابل تطبیق با عناوین جزایی به کار رفته در ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی هستند؛ بنابراین بعید به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۲۹ کنوانسیون مبنی بر برقراری مرور زمان طولانی یا تعلیق آن، و از سوی دیگر الزامات بین‌المللی ناشی از تصویب کنوانسیون، قانون‌گذار ایران معتقد به مرور زمان پنج‌ساله در جرائم مذکور باشد، آن هم در شرایطی که متأسفانه به دلیل عدم همکاری ناشی از عدم احساس مسئولیت کافی از سوی برخی مسئولان دستگاه‌های مربوطه در ادامه تعقیب و اقدامات قضایی بر فرض طرح شکایت و اعلام جرم روال رسیدگی و مدت آن بیش از ۵ سال است.

برای افزایش اثربخشی سیاست کیفری در قلمرو دادرسی کیفری جرائم اداری، مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات در جرائم مربوطه نباید بیش از اندازه کوتاه باشد؛ زیرا

مشکلات مربوط به کشف این جرائم و تحقیق در مورد آنها، ایجاب می نماید که در مقایسه با جرائم دیگر، فرصت بیشتری برای تعقیب جرائم اداری در نظر گرفته شود. البته اگر مرور زمان تعقیب در جرائم متعارف به قدری طولانی منظور شده باشد که نیازی به مقررات خاص در جرائم اداری احساس نشود، وضع چنین مقررات خاصی الزامی نخواهد بود.

این موضوع خالی از وجه و به دور از دادرسی منصفانه خواهد بود و متهم را در وضعیت نامناسب تر و ضعیف تری قرار می دهد و اصل براءت را نیز شکننده می کند.

بند دوم توسعه دامنه شکایت شاکی یا اعلام جرم

یکی از عمده ترین ویژگی های جرم اداری و حقوق کیفری اداری، حضور سازمان های غیردولتی (NGO)^۱ یا سازمان های مردم نهاد به عنوان اعلام کننده جرم است. به عبارتی، در جرائم مزبور نهادهای مدنی صاحب حق هستند یعنی می توانند جرم را اعلام نمایند بدون آنکه خود متضرر شده باشند. پس حقوق کیفری اداری از حضور سازمان های غیردولتی برخوردار است.

جرائم اداری با توجه به اینکه بدون توسل به خشونت و زور بازو و نیروی جسمانی بلکه همراه با تقلب و سوءاستفاده از هوش، استعداد و تدبیر، ارتکاب می یابند؛ لذا قانون گذار در قلمرو برخی از جرائم اداری اقدام به توسعه افراد ذی حق در اعلام جرم نموده است و با توسعه دامنه شکایت شاکی یا اعلام جرم و شیوه های خاص تحقیقاتی در زمینه جرائم اداری مواجه هستیم؛ یعنی سازمان های مردم نهاد می توانند شکایت نمایند بدون آنکه خود متضرر شده باشند.

نکته شایان ذکر در خصوص شکایت شاکی در قانون مجازات اسلامی، پیش بینی نکردن گذشت شاکی در برخی بزه های اداری که چهره خصوصی آنها بر عمومی شان برتری دارد. اصولاً هر بزه ای چهره عمومی دارد مگر اینکه از دید قانون گذار که نماینده شهروندان است، برخی بزه ها قابل گذشت دانسته شود.

اخیراً با تصویب «دستورالعمل نحوه تعامل و مشارکت نهادهای مردمی با قضاییه» توسط رئیس این قوه در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۸، که در آن به صیانت از حقوق عامه، حمایت از حقوق

1-Non Governmental Organization

شهروندی، پیشگیری و مقابله با فساد و ... به عنوان موضوع فعالیت نهادهای مردمی اشاره شده است می‌توان گفت سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در این خصوص نیز فعالیت و اعلام جرم نمایند.

این نظام دادرسی افتراقی، یکی از تضمینات اصول دادرسی عادلانه را که استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی است زیر پا گذاشته است. همچنین سبب می‌شود دقت در رسیدگی نیز مختل شود.

بند سوم. تعیین مأموران وزارت اطلاعات به عنوان یکی از ضابطان دادگستری

مأموران وزارت اطلاعات که اصولاً باید به کسب اطلاعات و پیشگیری از جرائم و خطراتی پردازند که امنیت داخلی یا خارجی کشور یا کیان جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌نماید، به طور غیررسمی وظایفی را در برخورد با پرونده‌های کلان فساد مالی - اداری عهده‌دار شده‌اند. مأموران این وزارتخانه در هیچ‌یک از قوانین موضوعه کشوری (غیر از قانون برنامه چهارم و پنجم)، به عنوان ضابط دادگستری شناخته نشده‌اند، لذا اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۷۷۲۱ مورخ ۱۳۸۱/۸/۱۰، در مورد آنها به این شرح اظهار عقیده کرده است: «مأموران وزارت اطلاعات ضابط قوه قضاییه نیستند و به موجب ماده ۴ قانون تأسیس وزارت اطلاعات مصوب ۱۳۶۲، باید اقدامات اجرایی خود را به وسیله ضابطان دادگستری انجام دهند. مأموران وزارت اطلاعات مذکور نمی‌توانند از وظایف و اختیارات خاص ضابطان دادگستری استفاده نمایند، بنابراین مجوز دستگیری و بازرسی از منزل در مورد سارقان مسلح و محاربان و منافقان قاچاقچی‌ها به مأموران اطلاعات دارای اشکال است. در صورتی که نیروی انتظامی همکاری مأموران اطلاعات را ضروری بدانند می‌توانند با هم همکاری نمایند. در صورتی مأموران اطلاعات از وقوع بزه‌ی اطلاع پیدا کنند، می‌توانند مراتب را به مرجع ذی‌صلاح اعلام دارند.»^۱

به رغم نظریه صحیح و مدلل فوق که از نظر قانونی قابل خدشه به نظر نمی‌رسد، مراجعه به پایگاه اطلاع‌رسانی مجتمع قضایی امور اقتصادی (شبکه خبری قسط) نشان می‌دهد که در فقدان نیروی پلیس متخصص و کارآمدی که بتواند با مصادیق فساد کلان و جرائم مهم و سنگین اداری برخورد نماید، ناچار تحقیقات مربوطه در بسیاری موارد توسط

۱. نظریات شماره ۷/۳۵۵۶ مورخ ۱۳۸۲/۵/۱ و ۷/۷۴۴۷ مورخ ۱۳۸۱/۸/۲۱ مضمون مشابهی دارند.

مأموران وزارت اطلاعات انجام می‌شود و حتی متهمان در اختیار این مأموران قرار می‌گیرند. مواردی که به صراحت مأموران وزارت اطلاعات را به عنوان ضابط معرفی کرده به شرح زیر است:

در ذیل بخش سیاسی، امنیتی قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۳۰ و در بند ب ماده ۲۰۵ به وزارت اطلاعات در پیشگیری و مقابله با مفسد کلان اقتصادی و اختلال در امنیت اقتصادی در مقام ضابط دادگستری اختیار داده شده است، اما نباید پنداشت که اقدام وزارت اطلاعات در کشف جرائم اقتصادی بی‌قید و شرط است، بلکه برعکس مأموران وزارت اطلاعات اولاً، فقط در مورد مفسد اقتصادی کلان، مجاز به تعقیب هستند^۱ و ثانیاً، در کشف جرائم اقتصادی به عنوان ضابط دادگستری عمل می‌کنند و بر اساس ق.آ.د.ک در همه حال موظف به تبعیت از دستورات مقام قضایی هستند.

مقام رهبری نیز، طی پیامی در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۰، وزارت اطلاعات را موظف کرد در چهارچوب وظایف قانونی خود، نقاط آسیب‌پذیر در فعالیت‌های اقتصادی دولتی کلان مانند معاملات و قراردادهای خارجی، سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، طرح‌های ملی و نیز مراکز مهم تصمیم‌گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد و به دولت و دستگاه قضایی در تحقق سلامت اقتصادی یاری رساند و به طور منظم به رئیس‌جمهور گزارش دهد.^۲

برخورد امنیتی با چنین جرائمی، احتمالاً در کوتاه‌مدت نتایج رضایت‌بخشی به همراه آورده ولی یقیناً در بلندمدت آثار منفی دارد زیرا نحوه تحصیل دلیل و کشف جرم در پرونده‌های اقتصادی با شیوه‌هایی که در جرائم امنیتی کارساز است کاملاً متفاوت بوده و درگیری وزارت اطلاعات در امور مذکور، این سازمان را از تمرکز بر وظایف اصلی خود باز خواهد داشت.

در این موارد به دلیل اقتدار و اهمیت قدرت ضابط (کاشف) ممکن است حقوق متهمان محدود شود. لذا دامنه توسل به آن باید محدود شده و این حق بویژه در جرائمی که صرفاً علیه نظام اداری است و جنبه مالی ندارد به ضابطان متخصص در امور اداری اعطا شود.

۱. منظور از کلان، ارتکاب جرمی است که کل کشور را تحت تأثیر قرار دهد به نحوی که جنبه امنیتی پیدا کند.

۲. دفتر بهبود ارزیابی عملکرد مدیریت، طرح مطالعاتی تدوین برنامه مبارزه با فساد و ارتقاء سلامت در نظام اداری،

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۹۰، ص ۳.

بند چهارم. اجباری بودن اعلام جرم

اعلام جرم از سوی افرادی است که نه در ارتکاب جرم به‌عنوان مباشرت، مشارکت یا معاونت دخالت داشته و نه به‌عنوان بزه‌دیده یا قائم‌مقام او حق شکایت کیفری دارند. در حقوق داخلی، هرچند طبق بند ب ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، اعلام جرم از جمله موارد و جهات شروع به پیگرد کیفری است، ولی برای شهروندان الزامی در این زمینه ایجاد نمی‌کند. با این حال، در برخی مواقع بویژه نسبت به جرائم اداری، قانون‌گذار وظیفه اعلام جرم را بر دوش برخی افراد نهاده که در صورت استنکاف، ترک فعل آنها جرم محسوب می‌شود؛ البته به‌طور کلی مقامات و اشخاص رسمی در صورت اطلاع از وقوع جرائم غیر قابل گذشت در حوزه کاری خود براساس ماده ۷۲ ق.آ.د.ک مسئولیت دارند. با این حال، ضمانت اجرای کیفری برای این ماده پیش‌بینی نشده است مگر اینکه قوانین خاص در این زمینه مقرراتی را مقرر کرده باشند. اجباری بودن اعلام جرم، به دلیل دشواری کشف جرم و ناتوانی دستگاه تعقیب در شناسایی دقیق جرم و متهم است و از این رو قانون‌گذار خود را مجاب کرده تا در برابر برخی جرائم اداری خطرناک، بخشی از وظایف دستگاه قضایی و ضابطان دادگستری را بر دوش شهروندان قرار دهد.

جهت الزام به گزارش نمودن اعمال ارتكابی، مضمون به جرم اداری، مقررات متعددی تدوین و تصویب شده است. برای مثال، براساس ماده ۶۰۶ ق.م.ا. هریک از رؤسا یا مدیران یا مسئولان سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده ۵۹۸ که از وقوع جرم ارتشا یا اختلاس یا تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرائم موضوع مواد ۵۹۹ (تدلیس در معاملات دولتی) و ۶۰۳ (اخذ پورسانت) در سازمان یا مؤسسات تحت نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت‌دار قضایی یا اداری اعلام ننماید، علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال، به انفصال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

براساس ماده ۶۳ آیین‌نامه سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۸۸/۱/۱۵ نیز، «مسئولان و اشخاص موضوع ماده ۱۲ قانون موظفند بدون فوت وقت، سوءجریانات مالی و اداری مرتبط با وظایف کارکنان را به سازمان اعلام نمایند.» بدیهی است که منظور از سوء جریانات مالی و اداری اتمام و تکمیل جرم نبوده، بلکه مقصود از به کار بردن این واژه‌ها می‌تواند حتی در مرحله عملیات مقدماتی یا شروع به جرم باشد.

در حال حاضر در ایران، یک آیین‌نامه اجرایی در سطح مؤسسات عمومی و دولتی با

عنوان آیین‌نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اجرایی مصوب ۱۳۸۵ در حال اجراست که به شکل تکلیفی به تقویت ساز و کار گزارش‌دهی پرداخته است. براساس ماده ۳ این آیین‌نامه، کارمندان و کارکنان مربوطه مکلفند در صورت اطلاع از وقوع اقدامات مندرج در ماده یک - که در مقام بیان مصادیق رشوه است نسبت به خود یا دیگر کارکنان، مراتب را با ذکر مشخصات فرد یا افراد پیشنهاد کننده به هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و مافوق اطلاع دهند تا مطابق قانون پیگیری شود. مطابق قسمت (د) ماده ۲ این آیین‌نامه، دستگاه‌های موضوع ماده ۱۶ این آیین‌نامه موظفند درخصوص تشویق اشخاصی که تخلفات موضوع ماده ۱ این آیین‌نامه را گزارش نموده و گزارش آنان منجر به صدور حکم قطعی براساس آیین‌نامه شده باشد اقدام ورزند. بدیهی است، تشویق این افراد می‌تواند به تقویت ابزار گزارش‌دهی کمک شایانی نموده و اقدامی در جهت حمایت از اطلاع‌دهندگان تلقی شود. گزارش‌دهندگان موارد فساد می‌بایست بتوانند این موارد را حداقل به دو رده مرجع صالح گزارش نمایند. اولین رده باید شامل مراجعی باشد که درون سازمانی هستند از جمله: دفاتر حراست و دفاتر ریاست سازمان‌ها. این مراجع به سبب نزدیکی به منابع وقوع فساد و سهولت دسترسی به آنها، می‌توانند مؤثر واقع شوند. دومین رده می‌بایستی شامل مراجعی باشد که بیرون سازمانی هستند. برای این نوع از مراجع می‌توان نهادهای تخصصی‌ای را مثال زد که مسئول مبارزه با فساد خود به مرجع اول به نتایج لازم و مناسب نرسد می‌بایست این اجازه که بتواند به مرجع رده دوم مراجعه نماید، برایش محفوظ باشد.^۱

در حقوق داخلی تمهیداتی بدین منظور اندیشیده شده که به توضیح آنها پرداخته می‌شود:

در بندهای (ج) و (د) از ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه قوه قضاییه موظف شده بود لایحه «حمایت از حقوق شهود و متهمان» و «لایحه حمایت از بزه‌دیدگان اجتماعی» را تهیه و به تصویب مراجع ذیصلاح برساند. بی‌تردید، تصویب و اجرای چنین لوایحی، ضمن افزایش پتانسیل مقابله با بزهکاری، زمینه حضور هرچه فعال‌تر اعضای جامعه مدنی را در همراهی با نهادهای مقابله با جرم از جمله جرائم اداری به نحو مؤثرتری فراهم می‌نماید. متعاقب این موضوع، آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۶ به تصویب قوه قضاییه رسیده است که می‌تواند منشأ اقدامات مثبتی در این زمینه باشد.

۱. معصومی، سیدمحمد، **پیشگیری از فساد مالی و اقتصادی در حقوق ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۲، ص ۱۰۴.

قانون‌گذار ایران در قوانین کیفری در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان، شهود و کارشناسان سکوت اختیار کرده، صرفاً ماده ۶۷ آیین‌نامه سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۸۸/۱/۱۵ بیان می‌دارد که: «کلیه تشکله‌ها و اشخاص موضوع بند الف ماده ۱۱ قانون، گزارش‌دهندگان به سازمان و شهود که در جهت وظایف سازمان، همکاری‌های لازم را معمول دارند و رسانه‌ها که با اطلاع‌رسانی مناسب موجب تقویت نظارت و اثربخشی اقدامات شوند، مشمول حمایت‌های قانونی سازمان هستند.» لیکن با عنایت به مفاد مواد ۳۲ و ۳۳ کنوانسیون مبارزه با فساد و الحاق کشورمان به این کنوانسیون که ماده ۹ قانون مدنی آن را در حکم قانون داخلی قرار داده است، لازم و شایسته است که مقنن به منظور سهولت مقابله با جرائم موضوع کنوانسیون، در راستای اجرایی نمودن مقررات آن از طریق گنجانیدن مواد مربوطه در قانون آئین دادرسی کیفری گام بردارد. ماده ۱۲ بخشنامه ۱۹ ماده‌ای معاون اول رئیس‌جمهور برای مبارزه با مفاسد اقتصادی مورخ ۹۷/۱/۱۷ نیز در این راستا قابل توجه است.^۱

این نظام دادرسی نشان از رویکرد افتراقی قانون‌گذار در این زمینه دارد و هدف آن تضمین بهتر سلامت نظام اداری و ازرعاب و بازدارندگی می‌باشد.

گفتار دوم. مقررات افتراقی در مرحله رسیدگی و صدور رأی

در مرحله دادرسی (به معنای خاص) در قلمرو جرائم اداری نیز عدالت کیفری شکلی، رویکردی را اتخاذ می‌نماید که نسبت به جرائم دیگر متفاوت می‌باشد. تخصصی بودن جرم اداری، پیوند امنیت ملی با امنیت نظام اداری و مخاطرات زیان‌باری که از ارتکاب این جرائم بر امنیت داخلی به جا می‌گذارد، سبب شده تا قانون‌گذاران درصدد به کارگیری قضات متخصص در فرآیند رسیدگی و نیز امنیتی کردن رسیدگی تمایل نشان دهند.

با عنایت به ماهیت و ویژگی‌های خاص جرائم اداری بویژه گستره بودن و آثار زیان‌بار آن، به ناچار رسیدگی به این دسته از جرائم و متعاقب آن اجرای حکم نیز دچار تحولاتی شده است که با ارکان رسیدگی و اجرای حکم در جرائم دیگر متفاوت می‌باشد. در مرحله دادرسی (به معنای خاص) نیز سیاست کیفری در قلمرو جرائم اداری به کارگیری قضات متخصص در فرآیند رسیدگی تسریع در رسیدگی و رسیدگی‌های خارج از نوبت، تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت (معکوس شدن بار اثبات)، تقدم اصل آزادی تحصیل دلیل بر اصل

۱. این ماده مقرر می‌دارد: «به منظور تأمین حمایت از هر کسی که با حسن نیت و دلایل معقول، واقعیت مربوط به جرائم احراز شده را به مقامات صلاحیت‌دار گزارش می‌دهد؛ اقدامات مراقبتی و تأمینی مقتضی را در برابر هرگونه تهدید یا رفتار غیرقابل توجیه، انجام دهند.»

حفظ حریم خصوصی، تقدم اصل آزادی تحصیل دلیل بر اصل مشروعیت شیوه تحصیل دلیل (حمایت از شهود در حین ادای شهادت) از مهم ترین جلوه های افتراقی شدن در این مرحله است که در برخی موارد برخلاف اقتضای اصل برائت و حقوق دفاعی متهم می باشد.

بند اول. تخصصی کردن رسیدگی و به کارگیری قضات متخصص در فرآیند رسیدگی

از آنجا که جرائم کارکنان دولت، جرائمی نوین می باشند، لازم است که قضات مرتبط با جرائم کارکنان دولت جهت صدور آراء بهتر در مورد جرائم کارکنان دولت به صورت تخصصی انتخاب شوند و آموزش های متنوع و گسترده ای را طی کنند زیرا جرائم حوزه کارکنان دولت غالباً جزء جرائم اقتصادی یا فساد مالی، بوده و در مواردی اگر کارکنان دستگاه قضا با این قبیل جرائم آشنایی نداشته باشند امکان دارد بعضی از احکام صادره از ثبات قابل قبولی برخوردار نباشد.

در گستره حقوق داخلی این مهم را می توان در تبصره ماده ۳۰ قانون جرائم رایانه ای مشاهده نمود. در این زمینه، ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ نیز مقرر می دارد: «به رئیس قوه قضاییه اختیار داده می شود در هر حوزه قضایی که لازم باشد با لحاظ نوع دعاوی و تجربه و تبحر قضات هریک از قضات دادگاه عمومی را به رسیدگی به دعاوی حقوقی، کیفری، احوال شخصیه و امثال آن اختصاص دهد.»

وجود قضات متخصص سبب می شود آرای صادره کمتر مورد اعتراض واقع شده و طرفین نیز بیشتر تن به اجرای آن دهند و شاید بتوان گفت از بین مواردی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، این بند مخالف اصول دادسی عادلانه نبوده و حتی مطابق با آن است.

ویژگی های خاص جرائم و مجرمان اداری، حساسیت افکار عمومی و آثار زیان بار این جرائم به حدی است که دولت ها سعی دارند نهادهای قضایی و دادگاه های کیفری و قضات و ضابطان متخصص و دوره دیده ای را برای رسیدگی به این جرائم اختصاص دهند.

بند دوم. سرعت و قطعیت در رسیدگی و اجرای مجازات‌ها

به طور کلی تأخیر فاصله طولانی میان عمل و عکس‌العمل، از قبح عمل و تأثیر عکس‌العمل در نظر مرتکب و با دیگران به مقدار قابل توجهی می‌کاهد. از نظر بکاربا آن چه مانع از ارتکاب جرم است، حتمیت در اجرای کیفر است و نه شدت مجازات. او اثر بازدارندگی قوانین خفیف از نظر مجازات، اما حتمی از نظر اجرا را بیشتر از قوانینی می‌داند که با وجود پیش‌بینی مجازات‌های شدید، امکان استفاده قاضی از عفو، تخفیف و تعلیق فراهم است یا اساساً به دلیل شدید بودن مجازات‌ها تمایل به استفاده از ابزار تخفیف یا عدم اجرا بسیار است.^۱

بنابراین به جای اینکه به منظور کاهش جرم با تصویب قانون جدید میزان مجازات را بالا ببریم، بهتر است تدابیری اتخاذ شود که احتمال محکومیت افزایش یابد، که در این صورت توفیق چشم‌گیری در کاهش جرم به دست می‌آید؛ بدون اینکه تالی فاسد اعمال مجازات‌های خشن را داشته باشیم.

وجود جرائم اداری در یک جامعه، خصوصاً در دستگاه قضایی و عدالت کیفری، مانع اجرای اصل سرعت و حتمیت در رسیدگی‌های کیفری و اجرای مجازات خواهد بود؛ زیرا مفسدان اقتصادی که بخش عمده‌ای از ایشان را مجرمان یقه سفید تشکیل می‌دهند، با نفوذ در دستگاه قضایی و با اعمال فشارهای روانی از سوی احزاب سیاسی و رسانه‌های جمعی وابسته و غیره، درصدد آن بر خواهند آمد تا نتیجه را به سود خود تغییر دهند.

اهمیت استقلال و بی‌طرفی در امر قضا و ارتباط آنها، با سرعت و قطعیت در اجرای کیفر بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا هرچه استقلال و بی‌طرفی دستگاه قضایی ضعیف باشد، سرعت و قطعیت نیز متاثر از آن خواهند شد. چه بسا گاه در جهت منافع شخصی، گروهی و حزبی عده‌ای، حتی شاهد سرعت و قاطعیت در اقدامات قضایی نیز باشیم.

در باب تسریع در رسیدگی، تبصره ۴ ماده مذکور، مرجع تجدیدنظر را مکلف کرده حداکثر ظرف مدت شش ماه به پرونده‌های موضوع تبصره ۳ ماده ۱۸۸ (که اشتباهاً در تبصره ۴ به جای اشاره به تبصره ۳ به خود ماده ۱۸۸ ارجاع شده است) رسیدگی و حکم صادر کند. در غیر این صورت و با تأخیر بدون عذر موجه، قضات شعبه رسیدگی کننده^۲ به مجازات انتظامی از درجه (۴) به بالاتر محکوم می‌شوند.

۱. بکاربا، سزار، رساله جرائم و مجازات‌ها، برگردان محمدعلی اردبیلی، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۰، ص ۸۴.

۲. مانند ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی راجع به «امتناع از انجام وظایف قانونی»

نکته قابل ذکر آن که لازم بود تا قانون گذار به موضوع تسریع در رسیدگی، این مطلب را در خصوص قضات سایر مراجع قضایی نظیر دادسرا و دادگاه بدوی نیز تصریح می‌کرد؛ چرا که معمولاً این مسأله از ناحیه ایشان، چه بسا گاه بیشتر مبتلابه باشد. بنابراین با عنایت به ظاهر ماده، به نظر نمی‌رسد بتوان مفاد تبصره ۵ ماده ۱۸۸ را که به جرم‌انگاری و تقنین جزایی پرداخته و اشعار می‌دارد «هریک از مقامات قضایی یا اجرایی که از تکلیف موضوع این ماده تخلف کند یا به نحوی از انحا مانع از اجرای آن شود به مجازات مقرر در ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد» به غیر از قضات دادگاه تجدیدنظر از حیث وظیفه مذکور در تبصره ۴ یعنی عدم رسیدگی ظرف مدت شش ماه، تسری داد؛ مگر اینکه اساساً موضوع مشمول ماده قانونی دیگری شود. این موضوع نشان می‌دهد مقنن به سرعت در رسیدگی اصرار دارد؛ در واقع مقنن برای جلوگیری از اطاله دادرسی که خود، برخلاف «حق محاکمه شدن در مدت متعارف» است، نوعی دادرسی شتابان و عجولانه را تجویز می‌کند.

در عمل رسیدگی به جرائم اداری به‌ویژه جرائم کلان چندین سال طول می‌کشد؛ ولی در همان حال، قانون‌گذار در برخی مصادیق گرایش به رسیدگی سریع دارد. جرائم اداری از جمله جرائم پیچیده و حساس بوده و تعیین تکلیف پیرامون آنها نیاز به دقت و تیزبینی دارد. از این رو، در رسیدگی به این پرونده‌ها، رسیدگی خارج از نوبت قابل توجیه نیست و تعیین مهلت در این موارد غیرمعقول و نامتناسب است و باید در آن تجدیدنظر شود. در همان حال، طولانی بودن رسیدگی که اقتضای یک رسیدگی عادلانه و دقیق است، خود فرصتی برای انواع اقدامات نفوذگرانه از سوی مرتکبان جرائم اداری است. بنابراین انتظار می‌رود دادرسی در مدت و مهلت معقول صورت گیرد.

جرائم اداری از جمله جرائم پیچیده و حساس بوده و تعیین تکلیف پیرامون آنها نیاز به دقت و تیزبینی دارد. از این رو، در رسیدگی به این پرونده‌ها، رسیدگی خارج از نوبت قابل توجیه نیست و تعیین مهلت در این موارد غیرمعقول و نامتناسب است و باید در آن تجدیدنظر شود. در همان حال، طولانی بودن رسیدگی که اقتضای یک رسیدگی عادلانه و دقیق است، خود فرصتی برای انواع اقدامات نفوذگرانه از سوی مرتکبان جرائم اداری است. بنابراین انتظار می‌رود دادرسی در مدت و مهلت معقول صورت گیرد.

بند سوم. تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت (معکوس شدن بار اثبات)

یکی از مشکل‌ترین موضوع‌هایی که مقامات تعقیب در پرونده‌های مرتبط با جرم اداری با آن مواجه می‌شوند، پرداختن به بار اثبات می‌باشد. متهمان جرائم یا در معرض مجازات از حق ناشی از فرض بی‌گناهی برخوردارند و تا زمانی که جرمی نزد یک دیوان صالح، مستقل و بی‌طرف به اثبات نرسد، نمی‌توان آنها را محکوم کرد و به مجازات رساند.^۱ در واقع «اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی یعنی استمرار بخشیدن به آثار اصل کرامت انسان و مصون بودن افراد جامعه از هرگونه تعرض و آثار آن مگر به واسطه وجود یک محکومیت قانونی، قطعی و لازم‌الاجرا؛ ماهیت اکثر جرائم اداری عمل به بار سنگین اثبات را با دشواری خاصی مواجه ساخته است.

یکی از این تمهیدات، تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در اموری است که شخص، متهم به تحصیل درآمدهای ناشی از ارتکاب جرم است. آنچه که موجب تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت و در نتیجه معکوس شدن بار دلیل‌آوری از دادستان به متهم می‌شود، وضعیت ویژه‌ای است که در چنین اموال مشکوکی وجود دارد، اگرچه در تمامی اتهامات که متوجه هر متهم می‌شود، مدعی العموم باید با اقامه دلایل، توجه اتهام به متهم را اثبات کند. لذا، در چنین مواردی راه‌حل اساسی این است که بار آوردن دلیل معکوس شده و از اشخاصی که مرتکب جرائم مزبور شده‌اند، خواسته شود تا مدرک بی‌گناهی خویش را ارائه دهند. همچنین چون این دسته از جرائم ضربات سنگینی به نظام اداری و اقتصادی وارد می‌شود، می‌توان با تقدم اماره مجرمیت بر فرض برائت تا حدودی مسیر را برای اعمال عدالت و اجرای مجازات مرتکبان حقیقی، فراهم نمود.

برخی معتقدند: «از نظر مبنایی، علت تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت ناکارآمدی قاعده استصحاب در صورت وجود اماره مجرمیت است؛ زیرا اصل برائت کیفری در مواردی که شخص مظنون به ارتکاب جرمی است، مبتنی بر استصحاب عدم ارتکاب جرم و برائت سابق است.»^۲ البته این در صورتی است که اماره مجرمیت را اماره‌ای قضایی بدانیم، اما اگر قانون‌گذار آن را اماره قانونی قرار دهد به گونه‌ای که آن را در قانون گنجانده و به صورت یک امر مسلم مانند اماره تصرف قرار دهد در این صورت، شکی در تقدم آن بر اصل برائت نخواهد بود مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

۱. بند «۱» ماده (۱۱) اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند «۲» ماده (۱۴) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند «۲» ماده (۶) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، بند «۲» ماده (۸) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند «۱» ماده (۷) منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم.
۲. بوریگان، ژاک، **بزهکاری سازمان‌یافته در حقوق فرانسه**، برگردان علی حسین نجفی ابرنآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۱-۲۲، ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷، ص ۳۲۸.

در حقوق ایران، در ماده ۲ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۶۳ و همچنین ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی، بر اصل مشروعیت اموال افراد جامعه و صحت عقود و معاملات بین افراد تأکید شده است. با ملاحظه این قوانین - که مبتنی بر اصول و فقه اسلامی است - این گونه برداشت می شود که تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت که در بیشتر اسناد بین المللی، منطقه ای و حتی فحوای برخی مقررات ملی در مورد دارایی های مظنون تأکید شده جایگاهی ندارد. با این حال، به ویژه نسبت به تبری از پولشویی، فرد باید از خود دفاع کند ولی این به معنای اماره مجرمیت نیست؛ زیرا در این حالت دیگر نیازی به دفاع از عملکرد خود باقی نمی ماند.

اگر متهم حق اعتراض به این موضوع را نداشته باشد به نحو اعتباری وی را از دسترسی به دادگاه مستقل و بی طرف باز می دارد و او را در وضعیت نامناسب تری نسبت به طرف دعوی قرار می دهد.^۱

بند چهارم. تقدم اصل آزادی تحصیل دلیل بر اصل حفظ حریم خصوصی

امروزه شنود تلفنی یکی از برجسته ترین راه های کنترل شهروندان است و بیشتر دولت ها چه مردم سالار و چه نامردم سالار این شیوه را آزموده اند. در این رابطه در ایران، می توان به ماده ۴۹ قانون جرائم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸ و تبصره آن استناد کرد. بر اساس تبصره این ماده، دسترسی به محتوای ارتباطات غیر عمومی ذخیره شده، نظیر پست الکترونیک یا پیامک در حکم شنود و مستلزم رعایت مقررات مربوط است. به نظر می رسد، منظور از مقررات مربوطه، رعایت مقررات ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری باشد.

به طور کلی، نظارت الکترونیکی که یکی از شیوه های تحصیل دلیل است، جرم محسوب می شود و برای اینکه اقدامات مجریان قانون مشمول استثنای وارد بر این جرم باشد باید شرایط خاصی داشته باشد، از جمله اینکه اولاً، باید با مجوز قضایی باشد. معمولاً دستور قضایی یا مجوز محدودیت هایی را مقرر می کند مانند فهرست برداری از مکان ها یا خطوط تلفنی یا اینترنتی که ممکن است هدف قرار گیرد و مدت زمان نظارت، تا از تعرضات غیر ضروری به حریم خصوصی جلوگیری شود. ثانیاً، در صورت امکان باید تمامی ارتباطات شنود شده، ضبط شوند و مضبوطات به دقت تحت حفاظت قرار گیرند تا از نابودی یا تخریب

۱. قربانی، علی، دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، چاپ اول، قم: انتشارات حقوق امروز قم، ۱۳۹۰،

آنها جلوگیری به عمل آید و دقت و اعتباری که باید برای ارائه آنها به عنوان دلیل رعایت گردد، تضمین شود.

در قوانین عادی و قانون اساسی ایران برای رعایت حریم مراسلات و ارتباطات اشخاص تضمینات قانونی پیش‌بینی شده است. در این زمینه، اصل ۲۵ قانون اساسی و بند ۸ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، بر حفظ حرمت مکالمات تلفنی، نامه‌ها و مکاتبات اشخاص تأکید کرده‌اند. قانون آیین دادرسی کیفری نیز شرایط و تشریفات خاصی را در مورد تفتیش و بازرسی مراسلات و مکالمات مقرر داشته است. ماده ۱۵۰ این قانون بیان داشته: «کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) این قانون منوط به تأیید رئیس قوه قضاییه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد.

حال چنانچه در غیر از مواردی که قانون اجازه بازرسی و تفتیش مراسلات و مکاتبات را داده است، یکی از کارکنان و مأموران دولتی اقدام به ضبط و افشای مراسلات و مکاتبات کند، قانون‌گذار در ماده ۵۸۲ ق.م.ا او را قابل مجازات دانسته است، ولی در مورد نقض حریم خصوصی اشخاص به این صورت توسط اشخاص عادی، ساکت است و فقط در ماده ۱۵ قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۸/۳، به این موضوع اشاره شده است که هرکس مراسلات را افشا یا امانات را برداشت یا بازرسی یا توقیف کند، مجازات می‌شود. این امر ناقض «اصل تساوی سلاح‌ها» است.

در حقوق کیفری ایران، هیچ مقرر قانونی در مورد ضبط صدا و تصویر اشخاص به صورت پنهانی وجود ندارد و علی‌القاعده این‌گونه ادله به‌عنوان اماره قضایی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، بدون اینکه منافی حریم خصوصی اشخاص قلمداد شوند. در حالی که، رعایت اصل مشروعیت تحصیل ادله با این‌گونه اقدامات در تعارض قرار می‌گیرد.^۱ پس به نظر، باید برای رفع این مشکل قانون جامع و کاملی تصویب شود که حریم خصوصی اشخاص را مورد توجه و احترام قرار دهد.

۱. تدین، عباس، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵.

بند پنجم. تقدم اصل آزادی تحصیل دلیل بر اصل مشروعیت شیوه تحصیل دلیل

از آنجایی که با وجود عدم تخصص کافی مأموران اجرای قانون و مراجع قضایی در زمینه جرائم مزبور، پلیس و ضابطان دادگستری در کشف و پیشگیری از این گونه جرائم با مشکلات نوینی مواجه هستند؛ لذا اغلب مسئولان قضایی و اجرایی در خصوص چگونگی کشف و بررسی جرائم اداری دچار سردرگمی می‌شوند. در کشف جرم همواره یک هدف مشترک وجود دارد و آن تلفیق حقوق شهروندی با آنچه عدالت کیفری مفید و مؤثر به آن نیاز دارد، می‌باشد و در اعمال این هدف، نوع جرم تأثیری ندارد.^۱ بنابراین، در کشف جرائم و حتی جرائم خطرناک نیز حقوق شهروندی باید رعایت گردد.

حال این بحث مطرح می‌شود که در برخورد با جرائم اداری، مأموران پلیس تا چه حد آزادی عمل دارند؟ آیا ضابطان قادر خواهند بود به موازات به کارگیری دستاوردها و روش‌های مختلف توسط مجرمان، آنها نیز از روش‌های مختلف هرچند غیرقانونی در کشف جرائم چنین مرتکبانی بهره ببرند؟

اصل بر این است که حقیقت نمی‌تواند به هر شیوه و وسیله‌ای به دست آید. انحراف فرآیند دادرسی از مسیر عادی و قانون‌مند، خود نشانه عدم مشروعیت تحصیل دلیل است. شأن و منزلت نظام قضایی و احترام به عدالت و حقوق انسانی، مستلزم خود داری از به کار بردن وسایلی است که ارزش‌های اساسی تمدن بشری و رسیدن به یک دادرسی عادلانه را به مخاطره می‌اندازد. بنابراین، اگر چه می‌توان با توسل به انواع و اقسام دلیل مبادرت به اثبات جرم کرد، اما استفاده از شیوه‌ای که محدودیت‌های قانونی را رعایت نکرده باشد سبب سلب ارزش اثباتی و قضایی آن دلیل می‌شود. به همین علت، به دنبال اصل آزادی تحصیل دلیل، بحث مشروعیت تحصیل دلیل مطرح می‌گردد و هرگونه دلیل غیرقانونی و شیوه نامشروع در کسب دلیل محکوم می‌شود.^۲

برای اثبات جرائم اداری، ادله از طرق متفاوتی به دست می‌آیند. در برخی موارد از اطلاعات مخبران استفاده می‌شود یا برای مجرمان دام گسترانیده می‌شود و در نهایت، در پاره‌ای از موارد، جهت حمایت از شهود، شهادت - که از مهم‌ترین ادله اثبات است - به

۱. آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳، ص ۶۴.

۲. تدین، پیشین، ص ۱۹۵.

نحوی استماع می‌شود که با حقوق متهم در تعارض است و میزان واقعی حمایت از شهود به وضوح نشان‌دهنده میزان انطباق نتیجه رسیدگی بر مواضع عادلانه می‌باشد و این امر در تضاد با یکی دیگر از اصول دادرسی منصفانه یعنی توجه به حقوق دفاعی متهم است و آن را دچار چالش می‌نماید.

نتیجه‌گیری

تردید نیست که تدابیر شکلی مقابله با جرائم اداری، باید افتراقی و متفاوت از دیگر جرائم باشد. مرحله تحقیقات مقدماتی در قلمرو جرائم اداری، تابع نظام خاصی بوده و ویژگی‌های منحصر به فردی به خود گرفته است. از جمله ضوابط و معیارهای ویژه و افتراقی در مرحله دادرسی در قلمرو جرائم اداری امنیتی کردن فرآیند رسیدگی و تخصصی کردن رسیدگی، سرعت و حتمیت در رسیدگی، حمایت از شهود، به‌کارگیری قضات متخصص در فرآیند رسیدگی و خاص و افتراقی بودن تجدیدنظر و در مرحله اجرای حکم نیز سرعت در اجرا و الزام به انتشار اسامی محکومان می‌باشد.

نظام قضایی، برای انجام تحقیقات مقدماتی به شیوه‌های جدیدی مانند به‌کارگیری مخبران، دام‌گستری و نظارت الکترونیکی متوسل می‌شود که برخی اوقات با حقوق متهم در تعارض است. همچنین جهت اثبات جرائم اداری، از برخی اصول مهم هم‌چون اصل برائت عدول شده و این اصل جای خود را به اماره مجرمیت داده است. قابلیت استناد به ادله الکترونیکی به‌عنوان ادله اثبات جدید و عدول از اصولی مانند اصل برائت، اصل مشروعیت تحصیل ادله و اصل حفظ حریم خصوصی در فرآیند دادرسی، از افتراقی شدن اصول حاکم بر ادله اثبات در قلمرو جرائم اداری حکایت می‌نماید. موارد عدول از اصول سه‌گانه مذکور در قلمرو جرائم اداری در مواردی از قبیل: تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت (معکوس شدن بار اثبات)، تقدم اصل آزادی تحصیل دلیل بر اصل حفظ حریم خصوصی و تقدم اصل آزادی تحصیل دلیل بر اصل مشروعیت شیوه تحصیل دلیل، است. در برخی از جرائم اداری، مخصوصاً مواردی که به صورت سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابند، حریم خصوصی افراد که شامل مکالمات، مراسلات و سایر ارتباطات فیزیکی و الکترونیک است مورد تعرض قرار می‌گیرد.

نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که اگر برای مقابله جدی و دقیق با جرائم اداری سیاست‌گذاری شود نیازی به تعیین مجازات‌های سنگین و پیش‌بینی دادرسی ویژه و افتراقی نیست. صرف‌نظر از این مورد اگر اتخاذ رویکرد افتراقی را از سوی مقنن صحیح

فرض کنیم، نادیده‌انگاری برخی از اصول دادرسی منصفانه که به نحو بنیادینی با حقوق متهم ملازمه دارد موجب چالش‌های حقوقی و اجرایی شده است. زیرا افتراقی شدن باید در وضع مقرراتی که به کارآمدی ضابطان و دستگاه‌های کاشف و مراجع رسیدگی‌کننده در انجام وظایف محوله کمک می‌کند نمودار شود و جز برای حمایت بیشتر وارد حوزه حقوق دفاعی متهمان نشود و نباید مبارزه با این جرائم و اعمال سریع مجازات را هدفی مهم‌تر از اجرای عدالت تلقی کنیم تا اشتباهات قضایی را توجیه کنیم.

از میان جلوه‌های افتراقی مورد پژوهش تخصصی کردن رسیدگی و به‌کارگیری قضات متخصص در فرآیند رسیدگی مخالف اصول دادرسی عادلانه نبوده و حتی مطابق با آن است زیرا سبب می‌شود آرای صادره کمتر مورد اعتراض واقع شده و طرفین نیز بیشتر تن به اجرای آن دهند. این جلوه از دادرسی نشان از رویکرد افتراقی قانون‌گذار در این زمینه دارد و هدف آن تضمین بهتر سلامت نظام اداری و ارباب و بازدارندگی می‌باشد. اما در سایر موارد و جلوه‌های دادرسی افتراقی، بررسی قوانین مربوطه بویژه قانون آیین دادرسی کیفری و نحوه اجرای آن نشان می‌دهد با تعیین مأموران وزارت اطلاعات به عنوان یکی از ضابطان دادگستری، در این موارد به دلیل اقتدار و اهمیت قدرت ضابط (کاشف) ممکن است حقوق متهمان محدود شود. لذا لازم است این حق بویژه در جرائمی که صرفاً علیه نظام اداری است و جنبه مالی ندارد به ضابطان متخصص و آموزش‌دیده در امور اداری اعطا شود. سرعت و حتمیت در رسیدگی تعیین مهلت‌های نامتناسب برای رسیدگی و صدور رأی عرصه را برای برخورداری از دادرسی منصفانه تنگ‌تر کرده است. این موضوع برخلاف «حق محاکمه شدن در مدت متعارف» است و نوعی دادرسی شتابان و عجولانه را تجویز می‌کند. تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت، نیز به دور از دادرسی منصفانه خواهد بود و متهم را در وضعیت نامناسب‌تر و ضعیف‌تری قرار داده و اصل برائت را نیز شکننده می‌کند، همچنین از اعمال برخی حقوق دفاعی متهم مانند حق داشتن فرصت و امکانات کافی برای تدارک دفاع ممانعت می‌نماید. تقدم اصل آزادی تحصیل دلیل بر اصل مشروعیت شیوه تحصیل دلیل با حقوق متهم در تعارض است و میزان واقعی حمایت از شهود به وضوح نشان‌دهنده میزان انطباق نتیجه رسیدگی بر مواضع عادلانه می‌باشد و این امر در تضاد با یکی دیگر از اصول دادرسی منصفانه یعنی توجه به حقوق دفاعی متهم است و آن را دچار چالش می‌نماید. فراوانی آرای که در مورد جرائم مذکور صادر شده خود نشان‌دهنده میزان انطباق نتیجه رسیدگی بر مواضع عادلانه و گواه روشنی بر بی‌نتیجه ماندن تلاش قانون‌گذار در مبارزه با این جرائم از طریق افتراقی کردن دادرسی آن است.

در نهایت ضرورت وجود یک آیین دادرسی افتراقی در مورد جرائم اداری، لزوم رسیدگی به پرونده‌های جرائم اداری در مهلت و مدت معقول، تصریح بر امکان و اجازه دام‌گستری به مأموران کشف جرم بنابر ترجیح منافع عمومی و در شرایطی کاملاً کنترل شده و در مورد آن دسته از جرائم اداری که عدم کشف آنها به مراتب زیان بیشتری از کشف آنها با دام‌گستری دارد، هم‌سویی و تطبیق با کنوانسیون‌های بین‌المللی در این حوزه علاوه بر تصویب، اصلاح و تنقیح قوانین داخلی، پیش‌بینی مقرراتی برای انجام امور مربوط به تحقیق و تعقیب و رسیدگی جرائم اداری توسط مقامات معین یا نهادها و تشکیلات مشخصی به صورت تخصصی، توجه به رعایت اصل برائت و حقوق دفاعی متهم و هماهنگی با قانون آیین دادرسی کیفری و اصول دادرسی منصفانه، پیشنهاد می‌شود.

فهرست منابع فارسی

- ۱- آخوندی، محمود، **آیین دادرسی کیفری، جلد اول**، چاپ نهم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۲- **آیین دادرسی کیفری**، جلد سوم، چاپ ششم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴.
- ۳- آشوری، محمد، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- ۴- **عدالت کیفری** (مجموعه مقالات) جلد اول، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶.
- ۵- افشارنیا، طیب و مبین، **حجت، اطاله دادرسی و توسعه قضایی**، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.
- ۶- بکاریا، سزار، **رساله جرائم و مجازات‌ها**، برگردان محمدعلی اردبیلی، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۰.
- ۷- بوریگان، ژاک، **بزهکاری سازمان یافته در حقوق فرانسه**، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۱-۲۲، ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷.
- ۸- پرونده کلاسه ۳۲/۱۱۹۳/۸۶- شماره دادنامه ۱۰۴ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۳۰.
- ۹- تدین، عباس، **تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری**، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۸.
- ۱۰- **مطالعه تطبیقی مشروعیت تحصیل دلیل از طریق ضبط صدا و تصویر**، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، شماره ۱۶، ۱۳۸۷.
- ۱۱- جوانمرد، بهروز، **آیین دادرسی کیفری اختصاصی در جرائم سازمان یافته فراملی**، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.
- ۱۲- خالقی، علی، **جستارهایی از حقوق جزای بین الملل**، چاپ دوم، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۰.
- ۱۳- دلیو نیوبور، دیوید، **نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در آمریکا**، برگردان حمیدرضا قراگزلو، چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۹.
- ۱۴- دفتر بهبود ارزیابی عملکرد مدیریت، **طرح مطالعاتی تدوین برنامه مبارزه با فساد و ارتقاء سلامت در نظام اداری**، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۹۰.

- ۱۵- قربانی، علی، **دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر**، چاپ اول، قم: انتشارات حقوق امروز قم، ۱۳۹۰.
- ۱۶- محمودی جانکی، فیروز، **حق دفاع متهم**، گزیده مقالات برای ارتقاء دانش دست اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران، جلد ۱، تهران: انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴.
- ۱۷- معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، **بهترین راهکارها برای حمایت از شهود در پرونده‌های کیفری مربوط به جرائم سازمان یافته**، چاپ اول، تهران: روزنامه رسمی، ۱۳۸۸.
- ۱۸- معصومی، سیدمحمد، **پیشگیری از فساد مالی و اقتصادی در حقوق ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۲.
- ۱۹- نجفی ابرند آبادی، علی حسین و حبیب زاده، محمد جعفر زاده و بابایی، محمد علی، **جرائم مانع (جرائم بازدارنده)**، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۳۷، ۱۳۸۳.
- ۲۰- نظریات شماره ۷/۳۵۵۶ مورخ ۱۳۸۲/۵/۱ و ۷/۷۴۴۷ مورخ ۱۳۸۱/۸/۲۱

ب-انگلیسی

- 21-Abadinsky, H. **Organized Crime**, 4th Ed, Chicago:19942
- 22-Ackreman, R (S). **Corruption and Government: Causes, Consequences and Reform**. Cambridge: Cambridge University Press,1999
- 23-Bacigaloupe, E. **The Use of Technical Means in International and Surveillance of private Commiunication, Towards a European Criminal Law Aginst Organized Crime**, .Vincenzo Milltello, Freiburg:2001
- 24-Dworkin, G. **Philosofy of law**, edited: Feinberg and Goleman, Wads Worth, 6th Edition,2000
- 25-Extradition, T. **Encyclopedia of public international law**, Vol 8, North-Holland: .1985
- 26-Report ot the Expert Group Meeting on corruption and its Financial Channels .Paris, 30 March to 1 April 1999, I.C.6 (f), and I.D.II,2000

Manifestation of Differential Proceeding Administrative Crimes in the Light of Principles of Fair Trial

Abbas Mansorabadi *

Shahnaz Asadina**

Abstract:

Due to criminal personality, the importance of the crime perpetrated, and the inefficiency of the criminal procedure in preventing some crimes, it is necessary to take measures different from those of other crimes to prove and expose a crime, mete out the proper punishment, and take effective security and educative measures. The complex nature of exposure and substantiation of administrative crimes, effective actions against the perpetrators through rapid administration of punishment, assistance in rectifying and controlling the administrative system, and, as a result, the establishment of sovereignty and earning the trust of people together with the irreparable economic, social, and political damages of these crimes necessitate making special regulations for their prosecution. Differential formal features of criminal policy concerning administrative crimes include criminal organization and jurisdiction, hearing procedure, and substantive evidence. However, some of these regulations and differential features such as assigning long prescription for issuing a sentence and prosecution, increasing the scope of complaint or incrimination, appointing a Ministry of Intelligence officer as one of the bailiffs, preferring a charge against somebody, referring the case to higher courts and enlisting the help of senior judges, speed and certainty of hearing, the priority of guilty circumstances over the presumption of

* department of farabi, faculty of law, university of tehran

behmansour@ut.ac.ir

** PhD student, University of Tehran, Iran

asadina.sh@ut.ac.ir

innocence, the priority of the principle of freedom of obtaining evidence over the principle of privacy protection, and the priority of the principle of freedom of obtaining evidence over the principle of the legitimacy of the way evidence is obtained inhibit the realization of fair trial principles and guarantees such as the presumption of innocence and rights of the accused including the right to have enough time to be prepared for the trial and the right to go on trial at a proper time. Identifying the differential features of the administrative crimes proceedings within the governing regulations and comparing them with the principles of the fair trial, this paper also addressed the items not covered by these principles and the discriminative approach and made several useful suggestions.

Keywords: administrative crimes, criminal policy, differential proceedings, principles of fair trial, manifestations